



سازوکار «دستور موقت» لاهه در دعوی ایران

ویژه به عنوان مثال، با این مقرر که اشعار می‌دارد: «هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف معظم متعاهد دیگر و اموال مؤسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مَرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیرمعقول و تبعیض آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه وارد آورد، خودداری خواهد کرد.» (بند ۱ ماده ۴)

بنابراین تعارض اقدامات مورد نظر ایالات متحده با روح و متن برجام و عهدنامه مودت در بادی امر نیز آشکار به نظر می‌رسد و از سوی دیگر، تهدید منافع دولت و اتباع ایران نیز از فرط بداهت مستغنی از ابراز دلیل است. گو آنکه برای دیوان، صرف احتمال و نه قطعی بودن لطمه به حقوق و منافع طرف اختلاف کافی است، از این رو به نظر می‌رسد دیوان بین‌المللی دادگستری برای اتخاذ تصمیم موافق در خواست ایران با دشواری خاصی روبه‌رو نباشد.

مسئله دیگر، ضمانت اجرای چنین دستوری در صورت صدور آن است. متأسفانه عملکرد دولت ایالات متحده در اجرای چنین قرارهایی به هیچ‌وجه امیدوارکننده نیست، چنانکه این کشور به کرات (دست‌کم در سه مورد) از اجرای این اقدامات موقتی که قانوناً لازم الاجراست، خودداری کرده است و شریکانه، رویه کلی مربوط به چنین قرارهایی نیز حاکی از نافرجامی و نبود اقدام اجباری بر محکومیت خوانده دعوی نیست اما قطعاً عدم اجرای این دستورات لازم‌الاجرا نیست به اجرای قانون باشد و این دستاورد را نباید امری ناچیز انگاشت. چنانکه در قضیه کانال کورفو (دعوی میان بریتانیا و آلبانی)، دیوان بین‌المللی دادگستری نفس محکومیت و اعلام تخلف دولت بریتانیا از مقررات بین‌المللی را به منزله جبران خسارت و برآورده شدن خواسته دولت آلبانی تلقی کرد.

حسین خلیف‌زایی* دولت ایران در ۲۵ تیرماه سال جاری به دلیل تصمیم ایالات متحده برای اعمال مجدد تحریم‌هایی که بنا بر برجام متوقف شده بودند، در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایالات متحده طرح دعوی کرد و همزمان برای جلوگیری از ورود خسارات احتمالی ناشی از این تحریم‌ها، از این دیوان درخواست صدور دستور موقت نیز کرده است. سازوکار دستور موقت، موضوع ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و جزء فرعی (۱) از بخش «۵» مقررات مربوط به آیین دادرسی دیوان (۱۹۷۸) - مشتمل بر مواد ۷۲ تا ۱۷۸ است.

بنا بر بند ۱ ماده ۴۱ مزبور، دیوان می‌تواند در صورتی که تشخیص دهد اوضاع و احوال اجبار می‌کند، اقدامات موقتی را که برای حفظ حقوق مربوطه هر یک از طرفین باید اتخاذ شود، اعلام دارد. بند ۲ این مقرر به تأکید بر لزوم ابلاغ فوری چنین تدابیری به طرفین و شورای امنیت ملل متحده، حاکی از اهمیت این اقدامات و تلویشا ششاهدی بر دخیل بودن شورای امنیت در ضمانت اجرای آنهاست. چنانکه بنا بر بند ۲ ماده ۹۴ منشور ملل متحد، «لاگ یکی از طرف‌های دعوی، تعهداتی را که به موجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد می‌شود به جا نیاورد، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند توصیه‌هایی بکند یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ کند.»

با توجه به زمان بر بودن طول دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری که می‌تواند تا سال‌ها به درازا بینجامد، بیم و آفت فوت منفعت طرفی که در واقع حقوق و تعهدات او مورد اجحاف و نقض قرار گرفته کاملاً محتمل خواهد بود. از این رو در آیین دادرسی دیوان - به مانند آنچه در آیین دادرسی محاکم داخلی معمول است - سازوکاری تحت عنوان «دستور موقت» پیش‌بینی شده است که بر طبق آن، طرفی که فوت وقت را عامل تضرر به منافع خود می‌انگارد می‌تواند از دیوان تقاضای اقدامی عاجل نماید بدین معنا که عسالتاً و پیش از تصمیم‌گیری و بدون پیشداوری دیوان در ماهیت قضیه، با یک دادرسی اختصاری، تدابیر و اقدامات فوری و ضروری برای حفظ حقوق و تأمین خواسته در معرض خطر یکی از طرف‌های اختلاف را اتخاذ نماید. بدین منظور، دیوان به عنوان یک موضوع «اضطراری» (وفق بند ۲ ماده ۷۴ مقررات دیوان مورخ ۱۹۷۸) با احراز صلاحیت کلی خود، به تشخیص ضرورت اتخاذ تدابیری فوری و موقتی مبادرت خواهد کرد. از آنجا که دولت ایران در قضیه حاضر، عهدنامه مودت (۱۹۵۵) را مستند و مبنای صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوی اظهار داشته و بند ۲ ماده ۲۱ این عهدنامه صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای آن را پیش‌بینی کرده است، گام بعدی احراز کلی این موضوع خواهد بود که آیا موضوع مورد اختلاف امری مرتبط با مقررات و مشمول عهدنامه مزبور خواهد بود یا خیر.

به نظر می‌رسد اعمال مجدد تحریم‌های یکجانبه ثانویه ایالات متحده - که بنا بر برجام متوقف اجرای آنها پذیرفته شده بود - به استناد نقض تعهدات برجامی ایران در جایی که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به منزله نهاد راستی‌آزمایی و ناظر بر این سند، بر رعایت و اجرای کامل تعهدات ایران و وفق این سند به کرات ادعا داشته، اقدامی است که مغایرت آن با مفاد عهدنامه مودت موضوعی چندان پوشیده نیست به

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

بازگشت تحریم‌های یکجانبه، ناقض پیمان مودت و قطعنامه ۲۲۳۱

پورا یا عسکری* خروج ایالات متحده از برجام، فی‌نفسه نقض برجام و نیز قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است؛ تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران نیز که از این هفته مجدد برقرار شده است، نقض حقوق بین‌المللی و اصولی از قبیل همکاری، عدم مداخله و احترام به حاکمیت برابر ملت‌هاست که از موازین اساسی مطرح شده در منشور ملل متحد و نیز حقوق بین‌الملل عرفی به حساب می‌آیند؛ علاوه بر این، وضع تحریم‌های یکجانبه با بسیاری از موازین بین‌المللی حقوق بشر در تضاد است و جدا از همه اینها، اقدام ایالات متحده به مثابه نقض صریح، آشکار و مداوم معاهده مودت منقده میان ایران و ایالات متحده امریکاست.

معاهده مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و امریکا که در تاریخ بیست‌وسوم مرداد ماه ۱۳۳۴ در تهران به امضا رسیده، عهدنامه‌ای بین‌المللی است که جدا از روابط سیاسی دو کشور در دوران بعد از انقلاب اسلامی نیز به حیات خود ادامه داده و هزار چندگاهی از سوی طرفین نزد دیوان بین‌المللی دادگستری که مطابق بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مرجع حل اختلافات ناشی از این معاهده می‌باشد، مورد استناد قرار گرفته است. دادخواست اخیر ایران نزد دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بر مبنای همین معاهده بنا شده و به طور خاص به نقض مواد (۱)۴، (۱)۷، (۱)۸، (۲) و (۲)۹ و (۱)۱۰ عهدنامه مودت از سوی ایالات متحده می‌پردازد؛ از نظر ایران، اینکه ایالات متحده از تاریخ هشتم ماه می ۲۰۱۸ به بازگرداندن تحریم‌هایی که به موجب برجام آنها را معلق کرده بود و نیز وضع تحریم‌های جدید اقدام نموده است، عمل متخلفانه بین‌المللی و به طور خاص نقض مواد پیش‌گفته از معاهده مودت است. اشاره ایران به تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ یعنی تاریخ اعلام خروج غیرقانونی ایالات متحده از برجام، اذعان را متوجه بیوند میان دعوی مطروحه و برجام کرده است و این سؤال را در ذهن برخی ایجاد کرده که آیا سازوکار پیش‌بینی شده در برجام جهت حل اختلافات می‌تواند به نوعی خللی در صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به این دعوی ایجاد کند؟

پاسخ این سؤال منفی است؛ زیرا اولاً، مبنای دادخواست ایران، نقض برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ مؤید آن نیست بلکه آنچنان که گفته شد، نقض معاهده مودت از سوی ایالات متحده امریکاست (بند یک دادخواست) که سبب



رأی دیوان الزام‌آور نیست، امریکا تحریم‌ها را اعمال می‌کند

صادق ضیایی بیگدلی* آشنایی با دیوان این دادگاه در بحبوحه بحران اروپای قرن بیستم شکل گرفت، به این دلیل که اروپا در آستانه جنگ با آلمان بود و آلمان هر روز بیشتر از قبل قدرتمند می‌شد. بنابراین اروپایی‌ها تصمیم گرفتند این حق بین‌المللی را ایجاد کنند، در حالی که حتی هنوز سازمان ملل هم تشکیل نشده و جامعه ملل هم به وجود نیامده بود. روزهای اول این دادگاه فعالیت آن مؤثر نبود و خود اروپایی‌ها هم عادت نداشتند به این دادگاه شکایت کنند. بعد از تشکیل جامعه ملل و سازمان ملل، فعالیت این دادگاه که یکی از شاخه‌های سازمان ملل است، بیشتر شد. نکته مهم این است که این نهاد یک نهاد قاطع و تصمیم‌گیر نیست و بیشتر اظهارنظرها و آرای آنها جنبه ترویجی و توضیحی دارد و جنبه اجرایی ندارد.

غیر از شورای امنیت که قطعنامه‌های آن جنبه اجرایی پیدا می‌کند و وابسته به سازمان ملل است، پیشینه‌ها و تصمیم‌گیری‌های دادگاه بین‌المللی دادگستری جنبه قطعی اجرایی و الزام‌آور ندارد. یعنی ما در دادگاه نسبت به اقدامات امریکاشکایت کردیم، آنها هم رأی اولیه‌ای صادر کردند که پیشنهادی و ترویجی بوده است. به امریکا گفتند شما نباید دست به اقدامات جدیدی علیه ایران بزنید تا به کل پرونده رسیدگی شود. (یعنی به کل پرونده برجام رسیدگی شود). اگر هم دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی کند، رأی آنها الزام‌آور نیست که امریکا را مجبور کند دست به چنین اقدامی بزند.

اقدام کامل تحریمی امریکا علیه ایران: آری یا خیر؟! امریکا حتماً اقدامی علیه ایران انجام خواهد داد. ۱۳ مرداد که مرحله اول تحریم‌ها آغاز شد، تحریم‌ها اعمال می‌شود و امریکا هم توجیهی به این رأی نمی‌کند. هر چند ممکن است نقطه ضعفی برای امریکابه لحاظ اخلاقی و عدم رعایت جوانب اصولی ایجاد کند اما رأی دادگاه بعد از اجرای تحریم مطرح می‌شود. بر اساس اظهارنظرها صدور این رأی دادگاه نزدیک به دو ماه طول می‌کشد و در این مدت امریکا اقدامات خود را انجام خواهد داد. تأکید می‌شود از آنجایی که رأی دیوان جنبه اجرایی و تعهدآور ندارد، امریکابر اساس رأی این محکمه خود را مبرا از صدور قطعنامه علیه ایران نمی‌کند.

شورای امنیت و اجرای رأی احتمالی ماد در شورای امنیت به مشکل خواهیم خورد و طبیعتاً با «حق وتو» شورای امنیت رأی احتمالی دیوان را که به نفع ایران صادر شده است، رد می‌کند. حالا حتی اگر چهار عضو دیگر هم با ما همراه باشند ولی حق وتوی امریکا حتماً آرای دادگاه را رد خواهد کرد و چیزی در اجرا برای ایران عیان نخواهد شد.

آورده حقوقی شکایت تنها جنبه اخلاقی دارد که در صورت صدور رأی به نفع ما، امریکا را محکوم کردیم و این دستاویزی می‌شود تا با استفاده از آن مانور دهیم که اقدامات تحریمی امریکا علیه ایران خلاف اخلاق و انسانیت و حقوق بین‌الملل بوده و امریکا توجیهی به آن ندارد.

نقدی بر عملکرد هیئت برجام آن طرف قضیه این است که چون برجام به تصویب کنگره امریکا نرسید جنبه قانونی و حقوقی پیدا نکرد و هیئت ما همان موقع باید سفید و سخت می‌ایستاد و می‌گفت هم ما در مجلس ایران به تصویب برسانیم و هم شما برای اجرایی شدن در کنگره امریکا به تصویب برسانید. حالا اگر قرار بود در کنگره امریکا به تصویب برسد باید در کنگره پنج کشور دیگر هم به تصویب می‌رسید که از یک طرف معطلی داشت و از سوی دیگر ما اقتدار از الغای تحریم‌ها ذوق زده شده بودیم که با صدور رأی عمومی ۵۰۱ کار خود را آغاز کردیم و به پشت قضیه فکر نکردیم که ممکن است یک روزی برجام برچیده شود و رئیس‌جمهور امریکا از امتیاز حقوقی اجرایی بر خوردار است که می‌تواند برجام را بر اساس تصمیم خود لغو کند.

چرا در کمیسیون برجام پیگیری نکردیم؟! ما شکایت از برجام را در کمیسیون مشترک پیگیری کردیم، در دین شروع شد اما نتیجه نداشت چرا که خروجی کمیسیون مشترک برای الزام‌آور نیست. امریکا معتقد است این به ضرر منافع ملی ما است و چون قانون نشده و رئیس‌جمهور امریکا طبق قانون اساسی می‌تواند با کشورهایی قرار داد امضا کند، اگر این قرار داد با مالی و مسئولیتی داشته باشد باید به تصویب کنگره برسد. کنگره به طور غیرمستقیم تأیید کرد اما مخالفتی هم داشت و اوپاما برجام را به کنگره نبرد تا امبادا کشور امریکا در آینده به دست‌انداز بپسند و نیم حقوقی ما هم راضی بود که برجام به کنگره نرود و تعهد رئیس‌جمهور را کافی دانست. این اشتباه از طرف ما هم اتفاق افتاد.

استفاده از قاضی «ad hoc» حتماً از ما خواسته می‌شود و ما هم حتماً این کار را انجام خواهیم داد، همه می‌دانند که رأی دیوان الزام‌آور نیست اما برای اینکه حیثیتی از امریکا برده شود به لحاظ حقوقی این کار انجام می‌شود.

اساس طرح دعوی بر اساس عهدنامه مودت این قرارداد مربوط به سال ۱۹۵۵ بین دو دولت است. هر چند ما شکایت خود را انجام دادیم اما این موضوع از جمله مباحثی است که امریکایی‌ها به آن اشاره می‌کنند و معتقد هستند ما نمی‌توانیم چنین کاری را انجام دهیم و نمی‌توانیم تعهدات رژیم سابق را بپذیریم. در کنگره هم صحبتی از این مسئله شد که امریکا تعهدی در قبال دوره پس از انقلاب اسلامی ایران ندارد، بنابراین ما با حرف «سنگ مفت و گنجشک مفت» معتقد بودیم سر و صدایی راه بیندازیم. بخش حقوقی وزارت خارجه نیز مطلع است که عهدنامه مودت تکلیفی را به وجود نمی‌آورد و طرح دعوی ایران علیه امریکا در دیوان تنها به جهت ایجاد سر و صدا و آبروریزی برای امریکا بود.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی